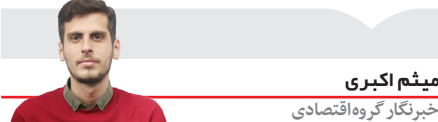


واقعیت‌هایی درباره طرح CGT که برای اجرایش باید بدانید

مالیات از عایدی سرمایه؛ نه معجزه نه دیو هفت‌سر



پیشینه طرح مالیات بر سوداگری و سفته‌بازی یا همان مالیات بر عایدی سرمایه به سال ۱۳۹۱ و مجلس نهم برمی گردد. اما بررسی این طرح در سال ۱۳۹۳ با درخواست عباس آخوندی وزیر وقت مسکن و شهرسازی و دستور علی لاریجانی از دستور کار مجلس خارج شد. اما بعد از گذشت یک دهه و بررسی مجدد آن در مجلس یازدهم رزمه‌های مختلفی در خصوص آن مطرح گردیده است. طی چند هفته اخیر که این طرح در مجلس مورد بحث و بررسی قرار گرفته، نقدهایی از سوی کارشناسان و رسانه‌ها به این طرح وارد شده است. این نقدها از انحرافی خواندن طرح در شرایط تورمی و از عدم تأثیر آن در هدایت سرمایه‌ها به سمت بخش مولد گرفته تا در الویت نبودن آن در شرایط اقتصادی فعلی را شامل می‌شود. گفت‌وگوی «فرهیختگان» با برخی کارشناسان اقتصادی نشان می‌دهد نباید نگاه صفر و یکی به این طرح داشت. از یک‌طرف طراحان نباید تصور کنند این طرح به‌سان رستم دستانی است که چندین مشکل را با هم حل می‌کند و از سوی دیگر دیدگاه مخالفان نیز در خصوص بی‌فایده دانستن طرح واخذ مالیات از تورمی که دولت‌بانی آن بوده نیز دور از واقعیت است. کارشناسان اقتصادی می‌گویند مالیات بر عایدی سرمایه هم‌اکنون در ۱۴۲ کشور جهان درحال اجرا است و اجرای آن نیز در ایران، به خودی خود تنها راهکار حل مشکل تورم نیست اما می‌تواند با کنترل تقاضاهای شدید سفته‌بازانه از عطش معاملات بکاهد. همچنین این طرح می‌تواند زیرساخت و بستر فنی و اجرایی اصلاح و تکمیل سامانه‌های مالیاتی کشور را ایجاد کند.

نفع‌برداران از دارایی ۲ برابر کم‌درآمدها

یکی از نقدها به طرح مالیات بر عایدی سرمایه این است که منتقدان می‌گویند عایدی سرمایه‌ای که در ایران از آن صحبت می‌شود از تورم سرچشمه گرفته، این درحالی است که در سایر کشورها دولت‌ها این مالیات را مثلاً از رشد قیمت مسکن در نتیجه عبور طرح‌های توسعه شهری از آن ناحیه شهری یا مثال آن دریافت می‌کنند. به عبارتی، این نوع تفسیر دولت و مجلس از مالیات عایدی سرمایه که از افزایش اسمی دارایی‌ها بر اثر تورم می‌خواهد مالیات بگیرد، خلاف رویه‌ای است که در دنیا درج‌ان است. مرور آمارها و جامعه هدف در طرح مجلس و دولت‌برای ایجاد پایه مالیات بر عایدی سرمایه نشان می‌دهد این نقد منتقدان ایراداتی دارد:

۱- اولاً جامعه هدف این طرح فعلاً فقط ۵ درصد از مردم ایران است و عملاً ۹۵ درصد از خانوارها مشمول این مالیات نمی‌شوند. ۲- نکته دوم اینکه این مالیات تنها شامل آن دسته از کسانی است که با سوداگری در بازارهای ۴گانه به دنبال سفته‌بازی و دلالتی هستند. براساس برخی برآوردهای کارشناسی این مالیات تنها شامل ۲ تا ۳ درصد افراد جامعه می‌شود و لذا این مالیات اساساً ارتباطی با عموم مردم ندارد.

۳- براساس این طرح، حتی اگر کسی مثلاً ۲۰ خانه یا خودرو داشته باشد، تا زمانی که نخواهد در فاصله زمانی کوتاه که قانون مشخص کرده این کالاهای سرمایه‌ای را خرید و فروش کند مشمول این قانون نمی‌شود و هیچ مالیاتی پرداخت نمی‌کند.

۴- با وجود اینکه در همه دنیا بازار سرمایه هم مشمول قانون مالیات بر سوداگری می‌شود اما در طرح مجلس و دولت برای حمایت از سرمایه‌گذاری مردم در بورس که حدود بیش از ۵۰ میلیون ایرانی در آن بازار ک سهامداری دارند، این بازار مشمول مالیات نمی‌شود. ۵- براساس آمارهای مرکز آمار ایران، در دهک‌های پایین‌ا ۱۵ا هزینه خوراک سهم عمده‌ای از هزینه‌های این دهک‌ها را تشکیل می‌دهد و این خانوارها در شرایط تحریمی به دلیل افزایش شدید قیمت خوراک نسبت به اقلام بادوام، بیشترین کاهش رفاه تجربه می‌کنند. ثانیاً آمارهای وزارت رفاه و گزارش هزینه-درآمد مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که طی سال ۱۴۰۰ درحالی سهم خانوارهای دارای درآمد از دارایی (درآمد حاصل از اجاره یا فروش خانه، طلا و ...) در دهک اول (کم‌درآمدترین دهک) حدود ۲۲ درصد و درآمد حاصل از دستمزد و مستمری بیش از ۷۸ درصد است اما این مقدار در دهک دهم (پردرآمدترین دهک) به ترتیب ۴، ۴۰ و ۵۹٫۶ درصد بوده است. این امر نشان می‌دهد که با تورم، دهک‌های پایین درآمدی نسبت به دهک‌های بالای درآمدی سهم بیشتری از قدرت خرید خود را از دست می‌دهند چراکه درآمد حاصل از دارایی به‌طور معمول با تورم افزایش می‌یابد اما درآمد حاصل از کار و با مستمری بازنشستگی با تورم ارزش حقیقی خود را از دست می‌دهد.

۶- یکی از اهداف طرح مالیات بر عایدی سرمایه، برقراری عدالت و جلوگیری از فرار مالیاتی مشاغل پربرآوردی است که بدون صورتحساب، با کارت به کارت به جای کارتخوان و سایر روش‌ها از دادن مالیاتی فراری هستند. برای مثال طبق آمارهای سازمان امور مالیاتی، درحالی‌که کارمندان دولتی و بخش خصوصی طی سال ۱۴۰۰ به‌طور میانگین طی یک‌سال ۸٫۴ میلیون تومان مالیات پرداخت کرده‌اند، اما مجموع مالیات پرداختی شافلگان طلا و جواهر ۶٫۷ میلیون تومان، نمایشگاه‌دارها ۴٫۷ میلیون تومان، موبایل فروشان ۲٫۷ میلیون تومان، وکلا ۲٫۱ میلیون تومان و مشاوران املاک ۱٫۳ میلیون تومان بوده است.

مالیات از تورم؟

منتقدان طرح فعلی CGT می‌گویند در سطح جهان برخلاف ایران که می‌خواهد با این پایه مالیاتی جلوی معاملات را بگیرد، CGT برای دولت جنبه درآمدزایی دارد. درواقع دولت این پایه مالیاتی را نه برای کاهش تورم بلکه برای درآمدزایی از عایدی سرمایه‌وضع و اجرا می‌کند. استدلال این است که راه کنترل تورم از مسیر مدیریت نقدینگی، کسری بودجه و کاهش انترازی‌های نظام بانکی می‌گذرد نه از ایجاد محدودیت برای معاملات. همچنین منتقدان می‌گویند مالیات سرمایه‌ای که در ایران از آن صحبت می‌شود از تورم سرچشمه گرفته است این با شرایطی که یک ملک بر اثر شرایط محیطی رشد کند یا سهام‌بر اثر انتشار اطلاعات رشد کند تفاوت دارد. درواقع به اعتقاد ففاری را مالکیت بر سرمایه و رفتاری را می‌تواند با نقل و انتقال انجام می‌دهد که متفاوت هم هستند و نمی‌توان گفت در تضاند، اما باید در کنار هم تعدیل شوند. »

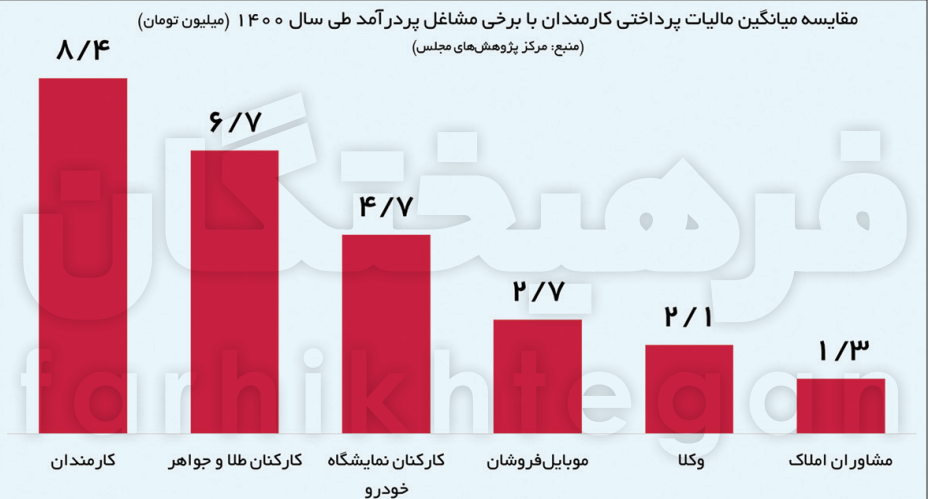
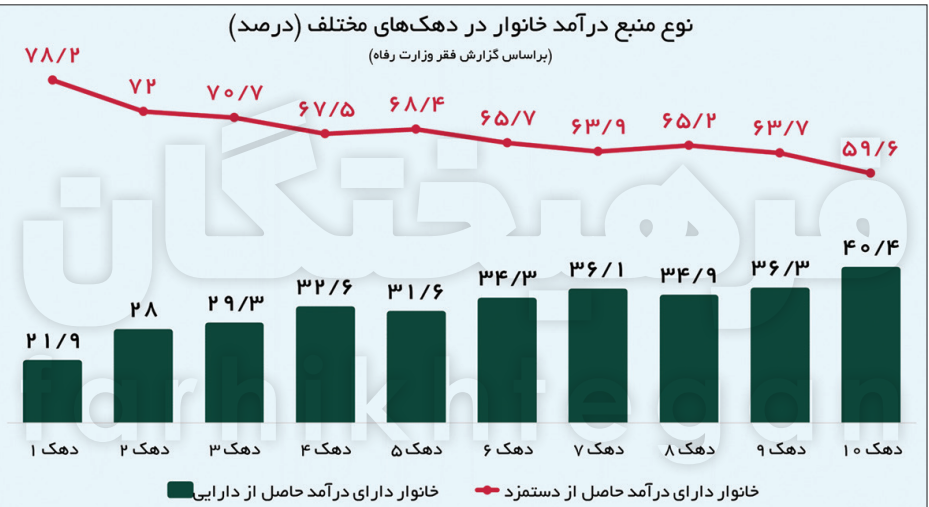
انتقادها، به «فرهیختگان» می‌گوید: «باید توجه داشت که مالیات‌ها د واقع دو نوع هستند؛ مالیات‌های تنظیمی و مالیات‌های درآمدی. مالیات‌های درآمدی یا نرخ کم‌تعین می‌شوند و جنبه مشارکت‌عمومی در مخارج دولت دارند. مالیات‌های تنظیمی نیز جنبه تنظیم‌گری دارند مانند جریمه رانندگی یا مالیات‌هایی که در حوزه املاک با هدف کنترل بازار وضع می‌شود مانند مالیات بر خانه‌های خالی که جزه این دسته است. مالیات بر عایدی سرمایه البته می‌تواند هر دو نوع را در بر بگیرد. درواقع اگر ما چالشی که در ایران داریم و مالیاتی را بر راه تولیدکننده در کنار ریسک‌ها و چالش‌هایی که دارد گذاشته‌ایم ولی از طرف دیگری فعالیت‌های بدون ریسکی وجود دارد که مالیاتی از آن اخذ نمی‌شود، طبیعتاً مردم سرمایه‌های خود را به این سمت که اتفاقاً غیرمولد هستند می‌برند. حال ما اگر بخواهیم رفتار اصلاحی انجام دهیم باید بگوییم حداقل به اندازه همان مالیات بر تولید از وی مالیات بگیریم تا اگر کسی بخواهد این کار ادامه‌دهد مشمول جریمه شود. برای همین موضوع نرخ آن در سال اول خرد و فروش شوک وارد می‌کند - بین تورم و شوک قیمتی تفاوت داریم- خرید و فروش مکرر در یک بازار دارایی می‌تواند موجب شوک قیمتی شود و به‌خاطر اینکه جلوی این را بگیریم در سال اول نرخ بالا گذاشته شده‌ولی در سال‌های بعد متناسب با نرخ تولید است تا افراد در سال اول درخصوص خرید و فروش مکرر در بازار ملک، خودرو و ارز و طلا بی تفاوت باشند. البته مطلوب هم این است که بعد از بی تفاوتی نسبت به این بازارها به سمت بازارهای تولیدی ترغیب شوند. پس درواقع این‌طور نیست که در همه کشورها جنبه درآمدزایی داشته باشد و باید گفت نفس تصویب این قانون جنبه تنظیم‌گری و تغییر رفتار نیز دارد. نکته دیگر آنکه ما آیا از تورم مالیات می‌گیریم یا خیر نیز درست نیست. چراکه ما درآمدها و عوایدی داریم که بیش از تورم رشد کرده است. برای مثال در گزارش اخیر مرکز پژوهش‌ها درخصوص بازار ملک از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۹ برابر شاخص قیمت مصرف‌کننده (که مبنای محاسبه تورم است) ۲۸ برابر شده‌ولی در همین بازه شاخص هر متر زیربنای مسکونی در تهران ۳۳۰ برابر شده و نشان‌دهنده اختلاف بالاتر از تورم بوده است. البته این وضعیت در بازار زمین مسکونی بسیار شدیدتر است. یعنی بازار ملک به‌دلیل سوداگری و دلالتی بسیار بیشتر از تورم رشد کرده است. رشد هم در ادبیات اقتصادی به چیزی گفته می‌شود که حاصل از تلاش و ارزش افزوده نباشد و باید قسمتی از آن را تحت عنوان مالیات به دولت بپردازد. پس باید گفت در همه کشورها جنبه درآمدزایی ندارد. نکته دوم آنکه در مقابل سایر حوزه‌ها نظیر تولید جنبه تنظیمی دارد و نبودن اثر غیرتنظیمی و جلب سرمایه‌گذاری دارد و مالیات جنبه تنظیم‌گیری دارد. سود اینکه این مالیات می‌تواند اثر شوک‌های قیمتی و افزایش قیمت بیش از تورم خصوصاً بیشتر از شوک‌های قیمتی جلوگیری کند. کماینکه منکر حل شدن تورم از مسیر کسری بودجه نیستیم و باید اقدامات به موازات هم پیش رود. البته یکی از راهکارهای تأمین کسری بودجه در کنار اصلاحات اساسی در آن، وضع مالیات‌های مختلف خصوصاً بر فعالیت‌های سوداگری است.»

نکته آخر اینکه در این طرح تعدیل تورم هم دیده شده مثلاً اگر شخصی ۱۰ یا ۱۵ سال ملک را نگه دارد و اجاره دهد باید با وی رفتار متفاوتی (در اینجا تعدیل تورمی) انجام گیرد، نسبت به کسی که فروردین ملکی را خریده و در مرداد یا دی آن را فروخته است تا با عدم تعدیل تورمی مالیات بیشتری اخذ شود و جنبه تنبیهی داشته باشد. مرتضی زمانیان در پاسخ به این سؤال معتقد است: «مالیات بر عایدی سرمایه دو وظیفه اخذ مالیات درآمدی (یعنی عایدی سرمایه به‌عنوان نوعی از درآمد مورد اصابت مالیاتی قرار گرفته و به‌عنوان نوعی از درآمد دولت شناخته می‌شود) و نقش تنظیم‌گری و کنترل سوداگری و خصوصاً موارد حاد و شدید را برعهده دارد. این طرح هم که در ایران طراحی شده و به‌نوعی شروع و معرفی این مالیات به نظام اقتصادی است قاعدتاً با معافیت‌های مختلفی همراه است تا این پایه مالیاتی شکل بگیرد. نکته دیگر آنکه با توجه به شرایط اقتصادی کشور جنبه تنظیم‌گری آن پررنگ‌تر است، یعنی آنچه درحال بررسی و تصویب است از جنبه درآمدزایی آن کاسته شده و نگاه تنظیم‌گرانه و مبارزه با سوداگری تقویت شده است. قاعدتاً در اقتصادهایی که این موضوع جاقفاده است و سوداگری‌های حاد و شدید وجود ندارد عملاً نقش درآمدی آن پررنگ است و به‌نوعی می‌توان گفت نگاه درآمدی و تنظیم‌گری این قانون با یکدیگر منافاتی ندارند که اگر جنبه درآمدی دارد نمی‌تواند نگاه تنظیم‌گری داشته باشد. اما باید توجه داشت که سوداگری به‌صورت شدید و حاد خود بیش از آنکه منجر به تورم شود، موجب نوسان و نااطمینانی در بازار می‌شود. از این رو اگر گفته می‌شود که این قانون جلوی سوداگری رامی‌گیرد، به‌معنای آن نیست که مشکل تورم را حل می‌کند، چراکه با این ابزار می‌توان شوک‌های قیمتی و نوسانات مربوطه را تعدیل کرد و از این جهت گزاره کنترل تورم از مسیر دیگری است، به‌صورت کلی درست است اما باید توجه داشت طرح این طرح ادعای کنترل تورم را درخصوص طرح مالیات بر عایدی سرمایه ندارند، لذا مقصد کنترل نوسانات و شوک‌های بازار است.»

این طرح منجر به خروج سرمایه می‌شود؟

غلامرضا مصباحی مقدم، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در گفت‌وگو با «فرهیختگان» و در پاسخ به این سؤال که آیا این طرح منجر به تشویق به خروج سرمایه می‌شود، می‌گوید: «این طرح موجب می‌شود تا همه فعالیت‌های تجاری و دادوستدها قابلیت رصد و کنترل قرار بگیرند. ازجمله معاملات ارزی و نظارت بر انتقال ارز و لذا امکان فرار از قانون عایدی بر سرمایه وجود ندارد. تجربه جهانی در مورد مالیات بر عایدی سرمایه وجود دارد و همه فعالیت‌های دلالتی را که به تولید ربطی ندارد تحت نظارت و رصد قرار می‌دهد و جلوی اینکه یک کالا چندین بار دست‌به‌دست شود و مورد معامله قرار بگیرد را می‌گیرد. علاوه بر این جلوی ورود سرمایه‌ها و منابع مالی مردم به‌سمت واسطه‌گری را می‌گیرد. به عبارتی برای فعالیت‌های سوداگرانه هزینه می‌تراشد و موجب انتقال سرمایه‌ها از حوزه فعالیت‌های سوداگرانه به حوزه تولید می‌شود که خود بیشترین کمک به رشد تولید و پیشرفت اقتصادی است. به عبارت دیگر بهترین خدمت برای رشد تولید و پیشرفت اقتصادی کشور وضع مالیات بر عایدی سرمایه و همچنین برای توزیع عادلانه ثروت در جامعه در کنار قانون مالیات بر عایدی سرمایه، وضع قانون مالیات بر مجموع درآمد است. به‌نظر بنده این قانون (مالیات بر مجموع درآمد) همراه قانون مالیات بر عایدی سرمایه مورد بررسی و تصویب

اقتصاد



است که استثنا بشود. اما این نکته که در یک شهر برای یک خانواده و برای فرزندان نابالغ آنان واحدهای مسکونی استثناً از اخذ مالیات بر عایدی سرمایه باشد. »

مرتضی زمانیان نیز در پاسخ به تعدد معافیت‌ها در این پایه مالیاتی می‌گوید: «بله در این طرح معافیت‌های بیشتری وجود دارد چون فعلاً قرار است این قانون وضع شود و این پایه مالیاتی معرفی شود و در شرایط فعلی وضع قانونی با معافیت‌های کم و یا فراگیری بالا مقاومت‌هایی را رقم بزند و عملاً به قانون اجازه ورود ندهد پس در این شرایط بهتر است با معافیت‌های مالیاتی بالا اجازه معرفی داده شود و در طول زمان نیاز بود معافیت‌ها کم اصلاح یا حتی زیاد شود. این طرح اجرا است لذا در گام اول نباید اقدامات شدیدی انجام داد. در مورد معاملات قولنامه‌ای نیز باید گفت این موضوع همیشه بوده و معاملات عادی به‌خاطر عدم شفافیت مشکلاتی را به‌وجود می‌آورد. اما مسوال این است آیا در مورد املاکی که اسناد رسمی دارند به‌خاطر فرار مالیاتی به‌سمت معاملات قولنامه‌ای هستیم و شاهد گزار از اسناد رسمی به سمت اسناد عادی هستیم؟ به‌نظر می‌رسد این‌طور نباشد، مخصوصاً در طرف خریدار که کالای دارای سند رسمی را به‌خاطر معافیت مالیاتی فروشنده کنار بگذارد و به‌صورت عادی خریداری کند و به‌صورت کلی باید گفت اسناد عادی و اسناد رسمی به‌شکل خود ادامه پیدا می‌کنند و از آنجا که از قدیم اسناد رسمی و عادی مزایا و معایب خود را داشتند در کنار این موضوع قرار می‌گیرند. البته در این طرح بندی وجود دارد مبنی بر آنکه اسناد عادی به‌شرطی در دادگاه مورد پذیرش قرار بگیرد که مساله مالیات بر عایدی سرمایه آن حل و فصل شود که می‌تواند از جهانی حرکت به سمت اسناد رسمی را تسهیل کند.»

مالیات بر ارزش کالا

یا تعدد بر خرید و فروش؟

غلامرضا مصباحی مقدم در پاسخ به این سوال که این پایه مالیاتی، مالیات بر مبادله تفاوت کالاست یا تعدد خرید و فروش می‌گوید: «قانون مالیات بر عایدی سرمایه به همین معناست. یعنی اگر کسی یک بار منزلی را خریداری کرد شامل این قانون نمی‌شود اما اگر در یک سال مسکنی را خرید و فروش کرد شامل می‌شود و به معنای این است که می‌خواهد با این مسکن تجارت کند و قصد سکونت در آن را ندارد. بنابراین هر کالایی که جنبه مصرفی برای خانوار داشته باشد چه کالای مصرفی یک‌بار مصرف چه با مصرف طولانی مدت مانند مسکن- در این صورت باید استثنا شود ولی اگر خواست مکرر خرید و فروش کند باید مشمول مالیات بر عایدی سرمایه شود.»

مالیات عایدی سرمایه

اولویت امروز ماست؟

دروصیعت اقتصاد کلان فعلی و تلاطمات موجود در بازارهای چهارگانه ارز، طلا و جواهرات، و سبایل نقلیه و مسکن، آیا تهیه و تصویب طرح مالیات بر عایدی سرمایه در اولویت سایر قوانین قرار دارد یا موارد دیگری برای پیگیری و اجرا وجود دارند؟

مهدی سرمست، کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس معتقد است: «باید توجه داشت مالیات‌های مختلفی وجود دارد که هر یک اثر خود را دارند و می‌توان از آنها استفاده کرد، مثلاً در سال‌های اخیر مالیات‌های بااع تألایم بازاریهای مختلف می‌شود و باید از همین ابزار استفاده کنیم. همچنین در مقایسه با مالیات بر مجموع درآمد که یک سیستم مالیات‌ستانی از درآمدهای مختلف اشخاص حقیقی است، به‌جای اینکه از مجاری مختلفی اخذ شود از یک مسیر به‌دست می‌آید. اتفاقاً مالیات بر عایدی سرمایه و بستر اجرایی که برای این طرح دیده شده می‌تواند گام اول تمهید مقدمات این مالیات باشد، لذا قانون مالیات بر عایدی سرمایه در کنار سایر قوانین مالیاتی می‌تواند اثرات تنظیمی، عدالتی و درآمدی خوبی داشته باشد.

